



The Role of the Quran in the Emergence and development of Ethics*

MohamadAli Rezaee Esfehani^۱

Heysam boazaar^۲

ABSTRACT

The Holy Quran is the initial developer of morality and the reason for its science in the Islamic world. Ethics as fundamental teaching has always been recommended in Quranic verses and also has been stated as the purpose of the prophethood of the Prophet (P) who considers himself a teacher of ethics. Therefore, due to the Quran's special attention towards ethics, this research uses an analytical-descriptive method, asserting the direct and indirect role of the Quran in the emergence of Islamic ethics, such as; the moral comprehensiveness of the Quran, recognizing the virtues from vices in the Quran, the systematic form of the moral structure in the Quran, the bestowing special value of the Quran to morality, etc. seeks to prove the author's claim that that the emergence of ethics was simultaneous with the revelation of the Quran and on the base of principles and foundations, on the one hand, was a factor in directing the Islamic ethics based on divine principles and goals, and on the other hand, it reflects the role of the Holy Quran in the emergence, development and grounding of many scientific developments in the Islamic-humanities.

Keywords: Quranic Ethics, Virtues, Vices, Ethical Verses, Emergence of Ethics

*. Date of receiving: ۱۴, January, ۲۰۲۱, Date of approval: ۲۵, June, ۲۰۲۱.

۱- Full Professor of Al-Mustafa international university, rezaee@quransc.com.

۲- PHD Student of Quran and islamic Texts Qom islamic teachings university(Corresponding Author), haithamboozar2921@gmail.com



نقش قرآن در پیدایش و رشد دانش اخلاق *

محمد علی رضایی اصفهانی^۱ هیثم بوعدار^۲

چکیده

قرآن کریم آغازگر اخلاق و سبب پیدایش دانش آن در دنیای اسلام است. اخلاق به عنوان آموزه بنیادین همواره در آیات قرآنی مورد سفارش قرار گرفته و غایت بعثت پیامبر ﷺ - که خویش را معلم اخلاق می داند - بیان شده است. با توجه به اهتمام ویژه قرآن کریم به اخلاق، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی با بازگویی نقش مستقیم و غیرمستقیم قرآن در پیدایش دانش اخلاق اسلامی است. قرآن کریم با خصوصیات جامعیت اخلاقی، بازشناسی فضائل از رذایل، نظام مند بودن ساختار اخلاقی و ارزش ویژه آن به اخلاق در صدد اثبات ادعای نگارنده مبنی بر پیدایش دانش اخلاق اسلامی همگام با نزول قرآن و بر اساس پایه ها و اصول و مبانی آن است. قرآن کریم از سویی عامل جهت دهنده دانش اخلاق بر اساس مبانی و اهداف الهی است، از جهت دیگر بازگوکننده نقش این کتاب در پیدایش، گسترش و زمینه سازی بسیاری از تحولات علمی در علوم اسلامی - انسانی است.

واژگان کلیدی: قرآن، اخلاق، اخلاق قرآنی، فضائل، رذایل، آیات اخلاقی، پیدایش، رشد اخلاق.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵ و تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۴

۱. استاد جامعه المصطفی العالمية: rezaee@quransc.com

۲. دانشجوی دکتری رشته مدرسی معارف، گرایش قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم (نویسنده مسئول):

haithamboozar2921@gmail.com



طرح مسئله

یکی از پرسش‌های بنیادین در حوزه اخلاق‌شناختی، شناسایی منبع دانش اخلاق اسلامی است که در داخل خود چندین پرسش دیگر دارد، آیا ساختار اخلاق اسلامی از بافتار اخلاق یونانی گرفته شده است؟ آیا قرآن که سند بعثت پیامبری است که خویش را معلم اخلاق معرفی نموده، دربرگیرنده مبانی، اصول و قواعد اخلاقی در عرصه‌های گوناگون فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است؟ با بیان سرمنشأ و پایه دانش اخلاق اسلامی از منظر قرآن و احادیث معصومان علیهم‌السلام این ابهام‌ها برطرف گردیده و ساختار قرآنی دانش اخلاق، اصول و مبانی آن نیز هویدا می‌گردد.

الف. مفهوم‌شناسی اخلاق

۱. اخلاق در لغت

واژه «اخلاق» از نظر لغوی جمع «خُلُق، خُلُق» است و به معنای صورت و صفات باطنی و ناپیدای انسان (سرشت) که با بصیرت قابل درک است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق: ۲۹۷). واژه «اخلاق» یا «خُلُق» در کاربست قرآنی وجود ندارد؛ اما کلمه «خُلُق» دو بار در قرآن به کار رفته است:

- ۱- در ستایش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم/ ۴)؛
- ۲- مخاطبان حضرت هود علیه‌السلام در پاسخ به دعوت‌های مکرر او به اخلاق پسندیده عقلی و شرعی: ﴿إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ﴾ (شعرا/ ۱۳۷)؛ که به معنای عادت و روش است؛ یعنی کار ما همانند کار پیشینیان در بت‌پرستی و خشونت در مجازات و کیفر است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۳۰۰/۱۵).

۲. اخلاق در اصطلاح

اخلاق، کیفیتی برای نفس آدمی است که رفتارهایی متناسب با آن از انسان بروز می‌کند؛ یعنی اگر کیفیت نفس خوب باشد، کارهای خوب و اگر بد باشد، کارهای ناشایست صورت می‌گیرد، پس اخلاق به اخلاق حسنه و خوب و اخلاق رذیله و بد تقسیم می‌گردد (ر.ک: خواص، نسبت علم اخلاق و فلسفه اخلاق، ۱۳۸۸؛ سنائی، اخلاق اوقات فراغت، ۱۳۹۸: ۱۹).

ابن مسکویه می‌گوید: «اخلاق، حالتی نفسانی است که بدون نیاز به تفکر و تأمل، آدمی را به



سمت انجام کار حرکت می دهد.» (ابن مسکویه، کیمیای سعادت، ۱۳۷۵: ۵۸-۵۷). بر این اساس، اخلاق؛ یعنی نمایان کردن فضیلت ها و زشتی ها در رفتار بر اساس صفات راسخ - خوب یا بد - در نهان انسان است.

۳. تعریف علم اخلاق

اندیشمندان اسلامی و غربی تعریف های متعددی برای علم اخلاق ذکر کرده اند؛ برخی علم اخلاق را علم چگونگی اکتساب اخلاق نیکو دانسته اند که بر اساس آن افعال و احوال شخص نیکو می شود (طوسی، اخلاق ناصری، بی تا: ۱۴)؛ عده ای نیز آن را علم چگونگی زیستن خوانده اند (مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، ۱۳۶۸: ۲/ ۱۹۰)؛ ژکس می گوید: «علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی، بدان گونه که باید باشد.» (ژکس، فلسفه اخلاق (حکمت عملی)، ۱۳۵۷: ۹).

بر اساس این توضیحات، علم اخلاق علاوه بر بیان صفات و رفتارهای نیکو و زشت، درباره راهکارهای رسیدن به فضیلت ها و دوری از زشتی ها در دو گونه نفسانی و رفتاری را مورد بررسی قرار می دهد. گرچه بیشتر تعاریف اخلاق یا علم اخلاق، به جنبه عملی (رفتار انسان) توجه کرده است و جنبه نظری اخلاق را اهمال کرده است.

۴. موضوع دانش اخلاق

پیش از رهیافت به موضوع دانش اخلاق، جهت فهم هرچه بیشتر آن، بایستی تقسیمات آن بازگو گردد. دانش اخلاق بر دو گونه است: نخست، اخلاق نظری که از آن به «فلسفه اخلاق» نیز تعبیر می شود؛ موضوعاتی همچون غایت های بنیادین اخلاقی، حقیقت فضیلت و چیستی آن، نفس انسان و خصوصیات آن ها و... را مورد بررسی قرار می دهد؛ دوم، اخلاق عملی که رفتار عملی انسان و ملکات فاضله ای که باید در نهان انسان راسخ شود، همچون عفت، شجاعت، صبر و عدالت مورد واکاوی قرار می دهد (دراز، کلمات فی مبادی علم الاخلاق، ۱۳۷۲: ۱۷)؛ گرچه برخی اخلاق نظری مذکور را فلسفه اخلاق می دانند، نه فلسفه دانش اخلاق، چون رهیافت فلسفه دانش اخلاق را موضوع اخلاق می دانند، همچون چگونگی پیدایش دانش اخلاق، تحولات آن، عوامل موجب پیدایش آن و روش های علم اخلاق می دانند (ر.ک: یحیایی، فلسفه اخلاق، ۱۳۸۳: ۲۸).

بر این اساس، دانش اخلاق، ملکات فاضله و حقیقت فضیلت و چیستی آن را مورد بررسی قرار داده



است، درعین حال به پیروی و مطابقت رفتار عملی انسان با فضیلت و دوری از رذیلت را نیز مورد کاوش قرار می‌دهد. ناگفته نماند که مقصود از دانش اخلاق در این مقاله، دانش اخلاق اسلامی «نقلی - وحیانی» بر پایه آموزه‌های قرآنی است و دانش اخلاق فلسفی بر اساس «تفکر - نتیجه» مورد نظر نیست.

ب. تاریخچه دانش اخلاق

مباحث اخلاقی همگام با گام نهادن انسان روی زمین بوده است؛ زیرا که خداوند نخستین پیامبران خویش را با مباحث اخلاقی آشنا نموده و آن‌ها را به تزکیه نفوس واداشته است؛ اما فراز سربلندی اخلاق، عصر نزول قرآن و بعثت پیامبر ﷺ است، چنانکه آن حضرت غایت برانگیختن خویش را تکامل بخشیدن به اخلاق و پرورش امت اخلاق‌مدار بازگویی نمود، پس از ایشان امام علی (ع) و ائمه معصومین (ع) الهام‌بخش اخلاق در عرصه‌های گوناگون بودند که در مکتب آنان مردان برجسته اخلاقی، همچون؛ سلمان فارسی، عمار یاسر، ابوذر، محمد بن ابی بکر، جارود بن منذر و... پرورش یافتند (مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ۱۳۸۴: ۱/ ۳۴-۳۱).

نخستین پایه‌گذار دانش اخلاق، امام علی (ع) شمرده می‌شود؛ زیرا هنگام بازگشت از جنگ صفین، نامه‌ای در بردارنده فرجام فضایل اخلاقی و بُن‌آریه‌های رذایل اخلاقی، برای فرزند برومندشان امام حسن (ع) نگاشت (صدر، تأسیس الشیعه، بی‌تا: ۴۰۴)؛ پس از نامه امام علی (ع)، نخستین کسی که در دانش اخلاق کتاب نوشت، اسماعیل بن مهران سکونی است از یاران امام صادق (ع) بود، کتاب وی به نام «صفة المؤمن و الفاجر»، نخستین اثر اخلاقی شناخته شده در اسلام است (همان: ۴۰۴)؛ پس از آن در قرن سوم کتاب «المانعات من دخول الجنة»، جعفر ابن احمد قمی و در قرن چهارم کتاب «الآداب» و «مکارم الاخلاق» علی بن احمد کوفی که هر دو از پیروان ائمه (ع) بودند، به نگارش درآمد (همان: ۴۱۴ - ۴۱۵)؛ اما مرحله پیشرفت دانش اخلاق و بازگویی اصول علمی آن، در قرن پنجم توسط «ابن مسکویه» بود، وی توانست، علاوه بر بازگویی نظرگاه دانشمندان اسلامی، دیدگاه‌های اندیشمندان فلاسفه یونان، هند و ایران را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد، ایشان کتاب‌های بسیاری در زمینه دانش اخلاق نگاشته است، همچون «تهذیب الاخلاق»، «الفوز الاصح»، «جاویدان خرد»، «تجارب الامم» که در زمینه اخلاق اجتماعی است و «طهارة الأعراق» که ارزشمندترین کتاب‌های ابن مسکویه به‌شمار می‌رود.

پس از آن اندیشمندان اسلامی با پیروی از این شیوه، نوشته‌های فراوانی به تحریر درآوردند، همانند

«احیاءالعلوم»، غزالی؛ «اخلاق ناصری» و «اوصاف الاشراف»، خواجه نصیرالدین طوسی، «محجة البیضاء»، فیض کاشانی و «جامع السعادات»، نراقی و... (قربانی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۳۸۲، ۱۹۶ - ۱۹۷؛ صدر، تأسیس الشیعه، بی تا: ۴۱۴ - ۴۱۵).

این جنبش تا به امروز با ساختاری متمایز و استوارمند از بافتار اولیه نگاشته های اخلاقی، همچنان در پیشرفت دانش اخلاق اسلامی بر پایه قرآن کریم ادامه دارد. نگاشته هایی مانند «دستور الاخلاق فی القرآن: دراسة مقارنة للاخلاق النظرية فی القرآن» و «کلمات فی مبادئ علم الاخلاق»، عبدالله دزّاز؛ «اخلاق در قرآن»، مکارم شیرازی؛ «اخلاق در قرآن»، مصباح یزدی و... از جمله نگاشته ها بر اساس بافتار قرآنی شمرده می شوند.

ج. نقش قرآن در پیدایش دانش اخلاق اسلامی

قرآن کریم در کنار اثرگذاری مستقیم خود، تأثیرات غیرمستقیم در پدیداری دانش اخلاق اسلامی نیز داشته است؛ چراکه با اعتباربخشی به سخن و سیره حاملان وحی که همان رسول گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت  هستند، با گفتار و رفتار خودشان در شکل گیری اخلاق و دانش آن در بین مسلمانان نقش وافری داشته اند. نقش قرآن در پیدایش علم اخلاق در موارد ذیل خود را آشکار می سازد:

۱. جامعیت اخلاقی قرآن

آیات و روایات فراوانی بر شمول و فراگیر بودن قرآن و آموزه های آن بر همه شئون زندگی بشر در راه طی کردن مسیر هدایت و تکامل و تقرب به خداوند که بدان نیاز دارد، دلالت می نماید (اعراف/ ۱۵۸؛ انبیاء/ ۱۰۷؛ نحل/ ۸۹؛ یوسف/ ۱۱۱). از سوی دیگر فراگیر بودن نظام اخلاقی قرآن در پهنه های گوناگون زندگی انسان، چه در زمینه ارتباط انسان با خداوند مانند شکر خداوند، رضا و تسلیم در برابر فرمان های او (لقمان/ ۱۲ و ۱۶؛ احزاب/ ۳۶)؛ یا ارتباط انسان با هموعان خود، مانند تواضع در برابر مردم، ایثار، نرم خویی (حشر/ ۹؛ لقمان/ ۱۸؛ آل عمران/ ۱۵۹)؛ ارتباط انسان با طبیعت، مانند اهمیت محیط زیست، دوری از اسراف و تبذیر، حفاظت از محیط زیست، دوری از تخریب منابع طبیعی (طه/ ۵۰؛ شعراء/ ۷ و ۸؛ نحل/ ۶۷؛ انعام/ ۱۴۱؛ اعراف/ ۳۱)؛ روابط بین المللی انسان، مانند رعایت عدالت در همه عرصه ها و بزرگداشت دو سوویه، ادای امانت، رعایت عهد و میثاق (نساء/ ۱۳۵؛ مائده/ ۱ و ۸؛ ممتحنه/ ۸؛ انفال/ ۵۵ و ۵۶؛ توبه/ ۴)؛ و جنبه های دیگر، همچون؛ اخلاق اقتصادی مانند رعایت عدالت اقتصادی، گردش اموال و ثروت عمومی، حرمت ربا، تشویق به انفاق و صدقه (حشر/ ۷؛ بقره،



۵-۹-۲۷۸؛ حدید/ ۲۵)؛ سیاسی، مانند تولی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر، تعظیم شعائر اسلامی (آل عمران/ ۱۱۸-۱۱۰؛ نساء/ ۸۹-۱۴۴؛ ممتحنه/ ۱؛ حج/ ۳۲)؛ اجتماعی، همچون رفتار با دیگران (والدین، همسر، خویشاوندان). رعایت عدالت و احسان با دیگران، اصلاح جامعه و دوری از فساد (نحل/ ۹۰؛ آل عمران/ ۱۰۳؛ نساء/ ۵۸؛ اعراف/ ۱۴۲)؛ دلالت بر جامعیت اخلاقی قرآن می‌کند. به عبارت دیگر قرآن با بیان ریشه فضائل و رذایل (یوسف/ ۵۳؛ النازعات/ ۴۰؛ شمس/ ۸-۹-۱۰)؛ راهکارهای تقویت اخلاق که قرآن با دعوت به تذکر مکرر، صبر و استقامت، توکل بر خداوند، مراقبت همگانی، ارائه الگوهای مناسب و... را بیان نموده است (آل عمران/ ۱۱۰؛ نساء/ ۱۱۴؛ ممتحنه/ ۴-۶؛ کهف/ ۲۸؛ احزاب/ ۲۱؛ نحل/ ۱۲۷؛ یونس/ ۱۲۹؛ اعلی/ ۹؛ ق/ ۴۵)؛ اصلاح رفتار عملی در سطوح گوناگون همچون عفت، عفو، ایثار، دوری از اسراف و تبذیر و احترام به والدین (بقره/ ۸۳-۲۷۳؛ نساء/ ۳۶-۶؛ انعام/ ۱۴۱-۱۵۱؛ حشر/ ۹؛ اعراف/ ۳۱)؛ بیان سبب پیشرفت و انحطاط تمدن‌های پیشین بر اثر اصلاح یا مفاسد امور فردی و اجتماعی (نوح/ ۲۵؛ مائده/ ۶؛ جن/ ۱۶)؛ که موجب پیدایش دانش اخلاق مبتنی بر تعالیم الهی قرآن گردید.

۲. بازشناسی فضائل از رذایل

چنانچه بیان گردید، موضوع دانش اخلاق نفس انسان است، چون که نفس انسان کانون رویش فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی است. در نتیجه افعال و سلوک اخلاقی بر اساس همان ملکات نفسانی بروز و آشکار می‌گردد، پس اگر بخواهیم ریشه ارزش‌ها (فضائل) و ضدارزش‌ها (رذایل) را بشناسیم، باید حالات و صفات نفس در قرآن را بجوییم تا بتوانیم بر اساس معرفت قرآنی فضائل و ضد آن را بازشناسی کنیم (هاشمی، سازواره نظام اخلاقی در قرآن، ۱۳۹۱: ۱۰۵). به همین جهت برخی از اندیشمندان اخلاق پژوه پس از کاوش در آیات قرآن، ملکه نفسانی «تقوا» را کانون و محور تمام فضیلت‌ها دانسته و از سویی دیگر ملکه نفسانی «فجور» را کانون تمام رذیلت‌های اخلاقی معرفی کرده‌اند (دراز، دستور الاخلاق فی القرآن: دراسة مقارنة للاخلاق النظرية فی القرآن، ۱۹۸۷: ۶۸۱).

برای اثبات این دیدگاه، نخست معنا و ریشه «تقوا» و «فجور» در کاربردهای زبان‌شناسان را بیان کرده، سپس کاربرست آن‌ها در قرآن و سنت مورد واکاوی قرار می‌گیرد. سرانجام رهیافت و رابطه «تقوا» در بازشناسی فضائل و رذایل را بررسی می‌کنیم.

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ (شمس/ ۷-۸)؛ در کاربرد



زبان‌شناسان، «تقوا» از ریشه «وقی» به معنای صیانت چیزی از ضرر و موجبات آن و حالتی نفسانی جهت حفظ و صیانت نفس از خطرات و آسیب‌ها دانسته‌اند (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق: ۸۸۱). عده‌ای دیگر از لغت‌شناسان، «وقی» را به معنای پس‌زدن چیزی با چیز دیگر می‌دانند، سپس معنای بنیادی تقوا را، به معنای حفظ چیزی از خلاف و سرپیچی در عرصه برون و رفتار عملی دانسته‌اند و کلمه «فجور» را متضاد «تقوا» و به معنای شکافتگی جنبه اعتدال و روند اصیل و بنیادین (طبیعی) بیان کرده‌اند (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن، ۱۴۳۰: ۱۳/ ۱۸۴).

بر این اساس در کاربست قرآنی و زبان‌شناسی، «فجور» در روبروی «تقوا» قرار گرفته و معنای متضاد آن را ایفاء می‌کند: «أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» (ص/ ۲۸)؛ در فرجام معناشناسی «تقوا» و «فجور» چنین برمی‌آید که؛ تقوا یک صفت نفسانی است که بر مبنای آن، انسان با تقوا از گناه حفظ و مصونیت دارد؛ دیگر اینکه، نفس انسان پذیرای هر دو صفت نفسانی است؛ اما بی‌تردید «فجور» چون‌که معنای شکاف و برون‌رفت از حالت طبیعی دارد، صفت عارضی برای مخدوش کردن صفت نفسانی نخست «تقوا» شمرده می‌شود. همچنین تضاد دو سحیه نفسانی تقوا و فجور، بازگوکننده قانون رفتار خوب و بد است.

ناگفته نماند که از کاربست آیه «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» و آیات پیرو آن «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس/ ۹- ۱۰) استفاده می‌شود که دو صفت «تقوا و فجور» فزونی و کاهش می‌پذیرد، بدین معنا که انسان هم‌زمان متصف به فضایل و رذایل است و هراندازه در مسیر پاک‌سازی نفس از آمیختگی فجور گام برمی‌دارد، به همان میزان صفت تقوا افزایش می‌یابد و برعکس. به عبارت دیگر، نفس انسان با تمام وجود خود راه کمال را درک نموده و گذرگاه پلیدی و اسباب و عوامل آن را شناخته است، همچنین شیوه نگهداری خود از زشتی و پیمودن راه تکامل و فضیلت را فهمیده است، به هر میزان پالایش نفس را انجام دهد، به همان اندازه سبب رشد خود گشته، به هراندازه آمیختگی با پلیدی و فجور داشته باشد، به همان مقدار از تقوا و فضائل جدا می‌شود (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۲۷/ ۴۶).

علاوه بر آن، خداوند با تأکید بر هدایت عقلی، فطری، تکوینی و تشریعی انسان به‌سوی ارزش‌ها (فضائل) (بقره/ ۲۱۳؛ مائده/ ۱۶؛ انعام/ ۸۸؛ یونس/ ۲۵-۳۵؛ ابراهیم/ ۴؛ اسراء/ ۹ و...)، آزادی‌گزینش بین ارزش و ضد ارزش (انسان/ ۳؛ بلد/ ۸-۹-۱۰)، معرفی جایگاه انتشار پلیدی (یوسف/ ۵۳؛ بقره/ ۱۶۹)، شناساندن نیروهای پاسدار از ملکات فاضله اخلاقی مانند وجود نفس ترغیب‌کننده



به تقوا، وجود نفسی که انسان را از گناه باز می‌دارد و همواره او را به‌سوی تکامل و خوبی‌ها دعوت می‌کند، وجود حجت پنهانی در نفس؛ یعنی قدرت جدا کردن فضایل و رذایل در نهان انسان (فجر/ ۲۷؛ کهف/ ۷۴؛ شمس/ ۸؛ قیامت/ ۲ و...)، بیان ارزش و هنجارهای اخلاقی در عرصه‌های گوناگون رفتاری (فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و...) (عنکبوت/ ۶۹؛ الیل/ ۴-۱۰؛ اسراء/ ۲۳-۲۴؛ بقره/ ۱۷۸ و...)، باعث شناساندن ریشه فضائل و رذایل شده و شیوه نگهداری نفس و پالایش آن و حرکت به سمت تکامل اخلاقی در پهنه‌های مختلف را به مردم آموخته است؛ بنابراین انسان برتر اخلاقی از دیدگاه قرآن کسی است که آخرین مرتبه تقوا را دارا بوده و میل به گناه و طغیان نداشته باشد. قرآن با بازگویی کانون فضیلت و رذیلت، راهکارهای توان‌بخشی نفس جهت جنبش در مسیر تقوا و تکامل اخلاقی، بازشناسی کانون رذیلت نفس و راه‌های رخنه کردن و ناتوان نمودن آن جهت توقف حرکت در مسیر ارزش‌ها، وجود نیروهای پاسداشت از فضائل و... موجب سامان‌یابی و پیدایش دانش اخلاق اسلامی مبتنی بر اصول و راهکارهای قرآنی جهت تکامل اخلاقی و پوشش به‌سوی ارزش‌های انسانی در عرصه‌های گوناگون گردیده است.

۳. ارزش ویژه به اخلاق

با واکاوی آیات قرآنی پاسداشت ویژه قرآن نسبت به اخلاق و تشویق به آن در آیات بی‌شمار نمایان می‌گردد. این اهتمام ویژه تا بدان جا که نزول قرآن و فرستادن پیامبران را برای استواری اخلاق و تهذیب نفس معرفی نموده است که نشان از ارج نهادن قرآن نسبت به اخلاق از یک جهت، از سویی دیگر سبب برانگیختن مؤمنان برای کسب فضایل و دوری از پلیدی‌ها گشته و ارزش مباحث اخلاقی بین مردم را دوچندان کرده است، همچنین موجبات پیدایش دانش اخلاق اسلامی بر اساس اصول قرآن را فراهم کرده است، مانند:

یکم. اخلاق نیکو مایه نجات و رستگاری

قرآن کریم در آیات زیادی کسب اخلاق نیک را واجب شمرده و آن را مایه رستگاری و سعادت دانسته است. در مقابل اخلاق پلید را سبب گمراهی و خسران معرفی کرده و می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس/ ۹-۱۰)؛ «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعراء/ ۸۸-۸۹)؛ بر اساس این آیات، رستگاری و سعادت درگرو کسب فضایل و تهذیب نفس است و زیان و خسران بر اثر رذیلت و خلق و خوی پلید و شیطانی است.

دوم. هدف بعثت پیامبران



قرآن کریم، والایی و برتری اخلاقی و پابرجایی هنجارهای اخلاقی در امت را، یکی از انگیزه‌های بنیادین برانگیختن پیامبران برشمرده و می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (جمعه/ ۲)؛ ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَنِي ضَالِّينَ﴾ (آل عمران/ ۱۶۴)؛ این آیات انگیزه اصلی بعثت پیامبران را پاکی و رشد و نمو جان‌های مستعد می‌داند، درعین حال سرفصل‌های برنامه پیامبران را پاک‌سازی درونی و آموزش علمی قلمداد می‌کند (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۳/ ۳۲۶).

سوم. فلسفه وجودی قرآن

فلسفه وجودی قرآن در آیات برای هدایت و روشننگری است، چنانکه خداوند هدایت انسان به‌سوی کمال و نور و برتری اخلاقی را غایت وجودی قرآن می‌داند. می‌فرماید: ﴿أَنزَلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾ (بقره/ ۱۸۵)؛ ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُّبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يَخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (مائده/ ۱۶)؛ قرآن راه‌های صحیح را بیان می‌نماید و راه‌های ناصحیح را آشکارا می‌کند، چنانچه باعث هدایت انسان به‌سوی کمال و فضیلت‌ها می‌شود و آن را از تاریکی و ظلمت جهل، شرک، نفاق و رذیلت‌ها دور می‌سازد (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۴/ ۳۲۱).

ناگفته نماند که مقصود از «سبل السلام»، راه‌های سعادت و صعود اخلاقی و روش نیل کمالات نفسانی است که همان ملکات فاضله اخلاقی است (حق‌پناه و عبادی، رویکرد اعجاز اخلاقی قرآن، ۱۳۹۰: ۲۰).

چهارم. ستایش و تأکید بر جنبه رفتار اخلاقی پیامبر ﷺ

گستره اخلاقی پیامبر ﷺ در پهنه فردی و اجتماعی همواره موردستایش و توصیه قرآن کریم بوده است، قرآن می‌فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم، ۴)؛ ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران/ ۱۵۹)؛ این آیات بر استواری اخلاق پیامبر ﷺ و عظمت آن تصریح نموده است، تا بدان جا که در روایات معصومان علیهم‌السلام اخلاق پیامبر ﷺ اخلاق قرآن معرفی شده است (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۶: ۲۹/ ۶۰-۶۱). سیره آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صبر و استقامت، مدارات، تواضع و خوی نرم آن در عرصه‌های گوناگون، نمایه اخلاق الهی ایشان را آشکارا می‌کند. به همین جهت قرآن، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را الگو معرفی کرده و مؤمنان را به اقتدای به ایشان امر کرده است (احزاب/ ۲۱).



پنجم. تأکید معصومان علیهم السلام بر اهمیت اخلاق

قرآن با اعتبار بخشی به سخن و سیره معصومان علیهم السلام، عامل گسترش اخلاق و دانش آن در بین پیروان خویش گردید؛ زیرا ترغیب و دعوت معصومان علیهم السلام به اخلاق از یک سو بازگوکننده اهمیت آراستگی به فضایل اخلاقی و زدودن پستی هاست؛ از سوی دیگر نشان دهنده دربرگیری قرآن بر مکارم اخلاقی و چگونگی آراستگی به ارزش ها و دوری از زشتی هاست.

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (متقی، کنز العمال، بی تا: ۱۶/۳، ح ۵۲۱۷۵)؛ «تنها برای تکمیل فضایل اخلاقی مبعوث شده‌ام.» هویداست که تعبیر به «إِنَّمَا» که به اصطلاح برای حصر است، نشان می دهد که تمام اهداف بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله در تکمیل فضایل اخلاقی و تکامل انسان ها خلاصه می شود.

معصومان علیهم السلام با توضیح نقش اخلاق در پیدایش تمدن سازی، اثر گذاشتن بر روابط اجتماعی و تکامل شخصیت فردی، پابرجایی فرهنگ ملت ها، و تمام عرصه های زندگی (مادی و معنوی)، جلب رضایت خداوند و.. (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۵۳/۷۵؛ نوری، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸: ۲/۳۳۸)، باعث سامان یافتن و نهادینه شدن ریشه های دانش اخلاق در بین مسلمانان شدند.

۴. غایت اخلاقی آیات قرآنی

قرآن کریم خود را هدایت کننده به سوی خوبی های معرفی می کند (اسراء/ ۹؛ بقره/ ۱۸۵). غایت های بنیادین تکالیف شرعی و بازگویی قصه های اقوام پیشین و حتی تمثیلات قرآنی را، هدایت به سمت تکامل و تقرب به درگاه الهی که انگیزه نهایی دانش اخلاق است، بیان می دارد (طه/ ۱۴؛ یونس/ ۶؛ بقره/ ۱۸۳؛ ذاریات/ ۲۰-۲۱؛ و...). بنابراین می توان ادعا کرد که بیشتر آیات قرآنی (آیات انفسی، آفاقی، توحیدی، قصص، تمثیلات قرآنی، سرگذشت پیامبران الهی و...) دارای صبغه اخلاقی بوده و انسان را در جهت اخلاقیات سوق می دهند. جهت پایستن این ادعا به عنوان نمونه تعدادی از آیات قرآنی ذیل عناوین مذکور را مورد بررسی قرار داده و گزاره های اخلاقی آن ها را برمی شماریم.

یکم. علت غایی تشریع برخی تکالیف فقهی

قرآن کریم پس از ذکر اهداف و شرایط متعدد نماز، علت غایی تشریع حکم نماز را جلوگیری از زشتی می داند (عنکبوت/ ۴۵)؛ که غایت این حکم از اخلاقیات است. همچنین برای نقش اخلاقی نماز بر نمازگزاران و تأثیر آن، فضایل خاصی را بیان می کند (معارج/ ۲۲-۳۴). در حکم روزه نیز هدف



بنیادین تشریع آن، از منظر قرآن نائل آمدن به مرتبه تقواست (بقره/ ۱۸۳). همچنین در تشریع زکات: نخست؛ آنکه عنوان زکات اخلاقی است، چون که معنای پاک‌سازی و پالایش نفس را می‌دهد؛ دوم اینکه، هدف از تشریع زکات در برخی از آیات، باعث تزکیه و تطهیر نفس می‌گردد (توبه/ ۱۰۳).

دوم. بُن‌مایه‌های اخلاقی در قصص قرآنی

خداوند هلاکت برخی اقوام را به دلیل وجود رذیلت سرکشی نفس می‌داند، همانند هلاکت قوم ثمود (شمس/ ۱۱)، نابودی قوم فرعون (نوح/ ۲۵)، دربرگیری قصص قرآنی بر بن‌مایه‌های اخلاقی در داستان‌های پیامبران و بزرگ‌مردان مؤمن دیگر، همچون؛ داستان حضرت موسی علیه السلام با دختران شعیب علیهم السلام، نشانه حیاء در دختران شعیب (قصص/ ۲۵)، امیدواری حضرت موسی علیه السلام (قصص/ ۳۵)، رازداری مادر حضرت موسی علیه السلام (قصص/ ۱۰)، وجود فضایل اخلاقی در داستان‌های دیگر پیامبران و اولیاء الهی (آل عمران/ ۱۴۶؛ یوسف/ ۲۳؛ نحل/ ۱۲۵؛ اسراء/ ۳۵).

سوم. نکات اخلاقی در تمثیلات قرآنی

قرآن کریم غایت بازگویی تشبیهات و مثال‌های قرآنی را پندگرفتن - که یک مقوله اخلاقی است - می‌داند (زمر/ ۲۷). دربرگیری مثال‌ها و تشبیهات قرآنی بر پیام‌های اخلاقی، دلیل مستقلى برای اثبات این دیدگاه است. مانند تشبیه اخلاق نیکو به درخت استوار و تنومند (ابراهیم/ ۲۴)؛ تشبیه دانشمندان هواپرست و مغرور و منکران آیات الهی به جانوران (اعراف/ ۱۷۶)؛ و تشبیه عهدشکنان به موجود بی‌خرد (نحل/ ۹۲).

چهارم. بهره‌مندی از نشانه‌های خداوند مبتنی بر گزاره‌های اخلاقی

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ﴾ (یونس/ ۶)؛ خداوند شرط بهره‌مندی از نشانه‌های خداوند در زمین و آسمان را در پرتو نگه‌داری از گناه و صفای باطن «تقوا» می‌داند؛ بنابراین خداوند متعال به بیشتر آیات قرآنی، صبغه اخلاقی داده و غایت را تکامل بشر به سوی ملکات فاضله معرفی نموده است، بر این اساس می‌توان قول پیامبر صلی الله علیه و آله که غایت بعثت خویش را برای تربیت نفوس و تکمیل مکارم اخلاق می‌داند، تفسیر کرد.

۵. اشتغال قرآن بر مبانی اخلاق

به اصول و پیش‌فرض‌های بینشی که پیش از ورود به هر علم، مسلم انگاشته می‌شود، چون در جای خود به اثبات رسیده است، مبانی گفته می‌شود (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن ۵، ۱۳۹۴: ۳۸۲).



مبانی اخلاقی از دیدگاه قرآن، با مبانی اخلاقی دیگر مکتب‌های اخلاقی متفاوت است؛ زیرا قرآن انسان را دارای دو ساحت (جسم و روح) بیان می‌دارد. از سوی دیگر خلقت جهان را هدفدار، معرفت‌شناسی انسان را پابرجا بر حس و تجربه نمی‌داند، بلکه ریشه‌های معرفتی گوناگون را یادآوری می‌کند، درحالی‌که برخی مکاتب اخلاقی (مادیون و پوزویست‌ها) انسان را تک ساحتی، معرفت بشری را منحصر در حس و تجربه، غایت نهایی خلقت دنیا را لذت‌بخشی و... انگاشته‌اند که با دیدگاه هدفدار و غایت‌بخش قرآن فاصله فراوانی دارد؛ بنابراین مبانی اخلاقی از دیدگاه قرآن، استوار بر چند پایه است:

یکم. مبانی هستی‌شناسی

جهان توحیدمحور مبتنی بر شناخت خداوند (حدید/۳)، پایان جهان و بازگشت به‌سوی خداوند (بقره/۱۵۶)، جهان فناپذیر که پیش‌درآمد جهان آخرت است (الرحمن/۲۶ - ۲۷؛ حدید/۲۰)، مرگ، سرآغاز زندگی جاودانه (عنکبوت/۶۴)، پاداش و کیفر در رستاخیز (زلزله/۷-۸)؛ و هدفمند بودن دنیا (آل‌عمران/۱۹۱).

دوم. مبانی معرفت‌شناسی

عقل و خردورزی (آل‌عمران/۱۹۱)، وحی الهی از طریق پیامبران (شوری/۵۱)، حس و تجربه (عنکبوت/۲۰)، و فطرت و الهام درونی (شمس/۸؛ روم/۳۰).

سوم. مبانی انسان‌شناسی

دو ساحتی بودن ترکیب انسان از جسم و روح، آفرینش دارایی‌های زمین برای انسان (بقره/۲۹)، عبد بودن و عبادتگری انسان (نحل/۳۶)، آزادی‌گزینش انسان بین خیر (ارزش‌ها) و شر (زشتی‌ها، سرکشی) (انسان/۳).

چهارم. مبانی ارزش‌شناسی

توحیدمحوری (یوسف/۴۰-۶۷؛ نساء/۳۶)، تقوا (حجرات/۱۳)، پاسداشت تکالیف الهی (آل‌عمران/۱۱۰؛ نساء/۱۱۴)، عدالت‌جویی (نساء/۵۸؛ نحل/۹۰؛ حجرات/۹)، پرورش اخلاقی (بقره/۱۲۹؛ آل‌عمران/۱۶۴؛ جمعه/۲)، آزادی و اختیار (کهف/۲۹؛ انسان/۳؛ انعام/۱۰۷).

بی‌شک شناخت هرکدام از مبانی مذکور، در برانگیختن انسان به‌سوی فضائل و دوری از رذایل تأثیر شگرف دارد؛ زیرا بدون وجود این مبانی، نائل آمدن به ارزش‌ها و دوری از ضد آن‌ها معنایی نخواهد داشت. به‌عنوان نمونه؛ در صورت نبود باور به دو ساحتی بودن انسان، معنایی برای تهذیب



نفس و زیباسازی آن با پالایش‌های درونی و دوری از آرایش‌های سرکشی نفس نخواهد بود، همچنین در صورت نبود اعتقاد به جهان ابدی، دیگر به‌غیر از گیتی فناپذیر، معنایی برای تقوا، ترس از گناه، جاودانگی روح انسان و... وجود نداشت. چنانکه در دیگر مکاتب اخلاقی به دلیل نبود چنین باورهایی، نگرش آن‌ها به انسان با افقی نارسا و سطحی‌نگر است. به همین جهت، دید قرآن به اخلاق باوجود چنین مبانی، نگرشی فراگیر و دربرگیرنده تمام ابعاد زندگانی بشر در عرصه‌های گوناگون، باعث تأمین سعادت برای انسان در دو پهنه دنیوی و اخروی است. ازاین‌رو وجود مبانی ساختارمند در قرآن، باعث پیدایش و رویش روزافزون دانش اخلاق اسلامی شده است که تا به امروز اندیشمندان اخلاق‌پژوه می‌کوشند به ساختار اخلاق اسلامی از دیدگاه قرآن پی ببرند.

۶. دربرگیرنده اصول اخلاقی ناب

مقصود از اصل اخلاقی، بیان وجه ارزشی حالت کلی نفسانی یا عنوان کلی فعل انسانی، مانند شجاعت یا وفای به وعده است (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دائرةالمعارف قرآن کریم، ۱۳۹۷: ۱/ ذیل واژه اخلاق). اصول اخلاقی در قرآن با ساختارهای گوناگون موردتوجه دانشمندان اسلامی قرار گرفته است، گرچه در میان آن‌ها در ارائه دسته‌بندی‌های اصول اخلاقی قرآن به دلیل تفاوت در نمایاندن این اصول توافقی وجود ندارد، بدین جهت برخی از اندیشمندان قرآن‌پژوه اصول اخلاق در قرآن را بر لحاظ روابط انسان با طرف‌های دیگر تنظیم کرده است. مانند:

یک. آیات دربردارنده اصول اخلاقی در برابر خداوند (خالق)، همچون شکرگزاری منعم، خضوع و تسلیم در برابر خداوند (لقمان/ ۱۲؛ انبیاء/ ۹۰).

دو. آیات مشتمل بر اصول اخلاقی مربوط به اجتماع و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر (خلق). به‌عنوان نمونه تواضع، ایثار، محبت به دیگران و... (حجر/ ۸۸؛ آل عمران/ ۱۳۴).

سه. آیات بازگوکننده اصول اخلاقی در برابر خویشان، همچون پالایش درونی از هرگونه آلودگی، مدارات با نفس در برابر فشارها و سختی‌ها (صافات/ ۸۴؛ شمس/ ۹؛ عنکبوت/ ۶۹).

چهار. آیات بیان‌کننده اصول اخلاق در برابر جهان آفرینش و طبیعت، همچون عدم اسراف و تبذیر، عدم تخریب مواهب الهی و... (اسراء/ ۲۷؛ بقره/ ۲۰۵؛ مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ۱۳۸۴: ۱/ ۱۰۲).

در دسته‌بندی دیگر بر همین اساس، پس از روابط انسان با خویشان و خدا، روابط با دیگر انسان‌ها



و محیط طبیعی جای خود را به روابط انسان با محیط با شعبه‌های ذیل داده است:

۱. رابطه انسان با محیط طبیعی

۲. رابطه انسان با محیط انسانی

یک. رابطه انسان با اشخاص؛

دو. رابطه انسان با جامعه (جوامع نژادی، ملی، صنفی و...)

سه. رابطه انسان با محیط شهری (ساختمان‌ها، شهرها، خیابان‌ها و...)

چهار. رابطه انسان با مصنوعات بشری (ماشین‌آلات، سخت‌افزارها و...) (فتحعلی خانی،

آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، ۱۳۹۲: ۲۰).

برخی از اندیشمندان اخلاق‌پژوه قرآنی، همچون عبدالله درّاز که نگاشته‌های او الهام‌بخش برخی نویسندگان متأخر حوزه اخلاق‌پژوه قرآنی است، اصول اخلاقی قرآن کریم را در شعبه‌های پنج‌گانه: اخلاق فردی (اصولی که بیانگر ارزش‌های اخلاقی فرد، با صرف‌نظر از حیثیت اجتماعی و روابط دیگر آن، همچون؛ استقامت و صبر، مجاهدت در راه خداوند، دوری از حسد، تزکیه نفس و... است؛ عنکبوت، ۶۹؛ فصلت/۶؛ نساء/۵۴)؛ اخلاق خانواده (احترام به والدین، احترام زندگانی فرزندان، نیکی رفتار با همسر و... - نساء/۳۶-۱۵۱؛ بقره/۲۳۲)؛ اخلاق اجتماعی (بازگوکننده اصول حاکم بر روابط اجتماعی، همچون؛ رعایت عدالت در رفتار، حرمت قتل نفس و آزار دیگران؛ مائده/۸؛ انعام/۱۵۲)؛ اخلاق دولت (دربردارنده اصول حاکم بر رابطه بین دولت و اعضای آن با ملت، همچون وجوب مشورت حکومت با مردم و نخبگان، برپایی امنیت و عدالت اجتماعی و...؛ آل‌عمران/۱۵۹-۱۶۱؛ مائده/۳۳)؛ و اخلاق دینی (اصول حاکم بر روابط دینی در ابعاد گوناگون، همچون ایمان به خداوند، طاعت و تسلیم مطلق در برابر اوامر الهی و پیامبران؛ بقره/۱۷۷؛ نساء/۶۶-۱۳۶)، دسته‌بندی کرده و برای هر بخش شواهد قرآنی ذکر نموده است (دراز، دستور الاخلاق فی القرآن: دراسة مقارنة للاخلاق النظرية فی القرآن، ۱۹۸۷: ۷۷۱-۶۸۹).

گرچه این ساختارها در بازگویی اصول اخلاقی قرآن متفاوت است؛ اما در اصل به یک آبشخور و سرچشمه برمی‌گردد، همه در این ساختارها می‌کوشند که روابط گوناگون انسان با ذات خویش یا با خداوند، در سطح جامعه یا کلان، همچون اداره حکومت، تنظیم روابط بین‌المللی و... را بر اساس دیدگاه قرآن تنظیم کنند.

به عبارت دیگر، اگرچه این بافتارها در رویه با یکدیگر ناهمگون هستند؛ اما در بُن‌مایه باهم یکسان



هستند، به عنوان نمونه «اصل اخلاق دینی» را می توان بر اساس ساختار نخست بر چهار شاخه سامان پذیر نمود؛ اصل اخلاق دینی در برابر خداوند، اصل اخلاق دینی در برابر خویش، اصول اخلاق دینی حاکم بر روابط اجتماعی، اصول اخلاق دینی حاکم بر رفتار با جهان و مواهب الهی و... که سرانجام به یک معنای همسان برمی گردند.

اعجاز اخلاقی قرآن

وجود اعجاز اخلاقی قرآن با رویکردهای گوناگون آن - محققان قرآن پژوه اعجاز اخلاقی قرآن را با سه رویکرد مورد بررسی قرار دادند: نخست، رویکرد گزاره ای؛ در این رویکرد، گزاره های جامع اخلاقی به صورت موضوعی یا ترتیبی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند که در صورت نبود پیشینه وجودی در این پهنه، اعجاز قرآن ثابت می گردد. مانند ایثار، عدالت در مجازات، عفو و بخشش و...؛ دوم: رویکرد نظام واره ای؛ این رویکرد در صدد اثبات اینکه قرآن در حیطه اخلاق، دارای مبانی اخلاقی و همچنین اصول و ساختار اخلاقی است که در مجموع نظام اخلاقی قرآنی را تشکیل می دهند؛ سوم: رویکرد تحول گرایانه؛ این رویکرد بر تحول شگرف عرب جاهلی در مدت کوتاه به یک ملت اخلاق مدار تأکید می کند (ر.ک: اسکندرلو، بررسی اعجاز اخلاقی قرآن، ۱۳۹۰: ۱۰۹؛ رضایی اصفهانی و نجفی نژاد، اعجاز اخلاقی قرآن کریم: تاریخچه و ویژگی ها، ۱۳۹۵: ۹)؛ - بازگوکننده نقش قرآن در پیدایش و رویش اخلاق و دانش آن، در عرصه های متفاوت علمی، اجتماعی، سیاسی و... دارد؛ اما در صورت عدم پذیرش اعجاز اخلاقی قرآن این ابهامات پیش کشیده می شود که اگر قرآن دربرگیرنده یک مکتب اخلاقی پابرجای بر آموزه های الهی نبود، چگونه توانست، در اعماق وجود انسان های جاهل نفوذ کرده و آن ها را از نشیب سرکشی و کینه به فراز تقوا و اخلاق برساند؟ (آل عمران/ ۱۰۳).

اگر قرآن دربردارنده گزاره های اخلاقی نبوده است، چگونه خود را نور و هدایت گر و مسیر رسیدن به ملکات فاضله اخلاقی معرفی می نماید؟ (مائده/ ۱۵-۱۶؛ یوسف/ ۱).

چنانچه قرآن مشتمل بر نظام ساختارمند اخلاقی، راهکارهای استوارسازی اخلاق، بازگویی سرچشمه فضائل و رذایل و... نباشد، چگونه می تواند سند بعثت پیامبری باشد که خویش را مُتَمِّم و مُکَمِّل مکارم الاخلاق می داند، گردد؟ (متقی هندی، کنز العمال، بی تا: ۱۶/۳، ح ۵۲۱۷۵)؛ بنابراین اندیشمندان قرآن پژوه با اثبات اعجاز اخلاقی قرآن، ساختارمند بودن گزاره های اخلاقی آن، دربرگیری قرآن بر اصول و مبانی اخلاقی، نقش قرآن در پیدایش مکتب اخلاقی استوار بر آموزه های الهی اثبات گردید.



۷. نظام‌مندی اخلاق قرآنی

چنانچه گذشت، فراگیری قرآن در بازگویی گزاره‌های جامع اخلاقی، نگرش ویژه قرآن به اخلاق، بیان ریشه فضایل و ملکات اخلاقی و بنیاد رذایل و سرکشی‌ها، راهکارهای پاسداشت و تقویت هنجارهای اخلاقی در حیطه فردی و اجتماعی، بازگویی مبانی اخلاق قرآنی «انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، معرفت‌شناسی»، بیان اصول اخلاقی و ساختارمند بودن آن‌ها، در مجموع گواه از وجود «نظام اخلاقی در قرآن» دارد. البته ناگفته نماند که قرآن با یادکرد غایت اخلاق‌مندی در قرآن، همچون قرب به خداوند (توبه/ ۲۰-۲۱)، و تزکیه نفس (شمس/ ۹-۱۰)، باعث تکامل بخشی به ساختار نظام‌مند اخلاقی در قرآن گردید.

در پایان یادآوری می‌شود که وجود قواعد اخلاقی در قرآن، اشمال قرآن بر گزاره‌های فراوان اخلاقی در جنبه‌های گوناگون فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نشان از نقش قرآن در تأسیس و پیدایش دانش اخلاق اسلامی بر پایه آموزه‌های الهی دارد. بدین جهت برخی از اندیشمندان قرآن‌پژوه مانند ابوبکر ابن عربی (ابن عربی، قانون التأویل، ۱۹۹۰ م: ۵۴۱ - ۵۴۲)، فخرالدین رازی، بارها در تفسیر خود بر نقش مستقیم قرآن در پیدایش دانش اخلاق اصرار ورزیده است (فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۳۴۸/۲؛ ۲۵۳/۱۷)؛ و جلال‌الدین سیوطی (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱: ۲/ ۲۶۲-۲۶۳)، به دلیل وجود بن‌مایه‌های دانش اخلاق اسلامی در قرآن، اذعان دارند که قرآن کریم عامل پیدایش علم اخلاق در امت اسلامی گردیده است.

نتیجه

۱. علم اخلاق علاوه بر بیان صفات و رفتارهای نیکو و زشت، درباره راهکارهای رسیدن به فضیلت‌ها و دوری از زشتی‌ها در دو جنبه نفسانی و رفتاری را موردبررسی قرار می‌دهد.

۲. دانش اخلاق دارای دو شعبه نظری و عملی است که هم از حقیقت اخلاق و فضیلت بحث می‌نماید، هم بازگوکننده ریشه فضیلت و رذیلت، کیفیت اکتساب اخلاق فاضله و دوری از رذایل را برای انسان بیان می‌نماید.

۳. قرآن کریم، با داشتن صبغه اخلاق، اغلب آیات آن، بازگویی اهمیت اخلاق، دربردارنده اصول و مبانی اخلاقی بر پایه آموزه‌های خداوندی، اثبات اعجاز اخلاقی، نظام‌مند بودن ساختار اخلاقی قرآن



در جامعیت اخلاقی، ظرفیت و تبیین عقلایی اخلاق، غایت اخلاق قرآنی، باعث پیدایش و تأسیس دانش اخلاق اسلامی بر اساس آموزه‌های وحیانی شده است.

۴. معصومان علیهم‌السلام با تأکید و بازگویی اهمیت دانش اخلاق، بیان راهکارهای تکامل بخشی اخلاقی در عرصه‌های گوناگون، غایت‌مندی به اخلاق، پرورش اندیشمندان اسلامی در این عرصه، نقش بسزایی در شکل‌گیری و شکوهمندی دانش اخلاق ایفاء نمودند.



منابع

۱. رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دارالذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن عربی، محمد بن عبدالله، قانون التأویل، دارالغرب الإسلامی، بیروت: چاپ دوم، ۱۹۹۰ م.
۳. اسکندرلو، محمدجواد؛ محمودی، اکبر، «بررسی اعجاز اخلاقی قرآن»، مجله قرآن و علم، ش ۹، ۱۳۹۰.
۴. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دائرةالمعارف قرآن کریم، بوستان کتاب، قم: ۱۳۹۷.
۵. حق پناه، رضا؛ عبادی، مهدی، «رویکرد اعجاز اخلاقی قرآن»، مجله قرآن و علم، ش ۹، ۱۳۹۰.
۶. خواص، امیر، «نسبت علم اخلاق و فلسفه اخلاق»، مجله رواق اندیشه، ش ۱۲، ۱۳۸۸.
۷. دراز، محمد عبدالله، دستور الاخلاق فی القرآن: دراسة مقارنة للاخلاق النظرية فی القرآن، تعریب: عبدالصبور شاهین، دارالرساله/دارالبحوث العلمیه، بیروت/کویت: ۱۹۸۷.
۸. دراز، محمد عبدالله، کلمات فی مبادئ علم الاخلاق، المطبعة العالمیه، مصر: ۱۳۷۲ ه. ق.
۹. رازی (ابن مسکویه)، احمد بن محمد، کیمیای سعادت، موسسه نشر میراث مکتوب، تهران: ۱۳۷۵.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم: ۱۳۸۷.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم: ۱۳۹۴.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ نجفی نژاد، علی، «اعجاز اخلاقی قرآن کریم تاریخچه و ویژگی ها»، مجله قرآن و علم، ش ۱۹، ۱۳۹۵.
۱۴. ژکس، فلسفه اخلاق (حکمت عملی)، ترجمه: پورحسینی، شرکت سهامی کتاب های جیبی، تهران: ۱۳۵۷.
۱۵. سنائی، نقی، اخلاق اوقات فراغت، نشر معارف، قم: ۱۳۹۸.



۱۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الاتقان فی علوم القرآن، دار الکتب العربی، بیروت: ۱۴۲۱هـ.
۱۷. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، فرهنگ اسلامی، قم: ۱۴۰۶هـ.
۱۸. صدر، سید حسن، تأسیس الشیعه، بی جا: بی تا.
۱۹. طوسی، نصیرالدین، اخلاق ناصری، کتابفروشی اسلامی، تهران: بی تا.
۲۰. فتحعلی خانی، محمد، آموزه های بنیادین علم اخلاق، مرکز ترجمه و نشر بین المللی المصطفی، قم: ۱۳۹۲.
۲۱. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۰هـ.
۲۲. قربانی، زین العابدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، نشر سایه، تهران: ۱۳۸۲.
۲۳. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بی جا: بی تا.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۳هـ.
۲۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۳۰هـ.
۲۶. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، صدرا، تهران: ۱۳۶۸.
۲۷. مکارم، ناصر، اخلاق در قرآن، مدرسه امام علی ابن ابی طالب (علیه السلام)، قم: ۱۳۸۴.
۲۸. مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۱.
۲۹. نوری، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل، موسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم: ۱۴۰۸هـ. ق.
۳۰. هاشمی، حسین، «سازواره نظام اخلاقی در قرآن»، مجله پژوهش های قرآنی، ش ۱، ۱۳۹۱.
۳۱. یحیایی، علی اکبر، فلسفه اخلاق، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، قم: ۱۳۸۳.

References

۱. Translation of the Quran, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, ۲۰۰۵. Ibn Sayegh & Ya'ish Ben Ali. Sharh Al-Mufasssal. Cairo: Moniriyyah print management. Dar al-Sader.
۲. Deraz, Muhammad Abdullah, Discussion Concerning the Origins of Ethics, Al-Alamiyyah Press, Egypt: ۱۳۷۲ AH.
۳. _____, The Code of Ethics in the Quran: A Comparative Study of Theoretical Ethics in the Qur'an, Translated into Arabic by Abdel-Sabour Shaheen, Dar al-Risalah / Dar al-Buhuth al-Ilmiyyah, Beirut / Kuwait: ۱۹۸۷.
۴. Eskandarlou, Muhammad Javad -Mahmoudi, Akbar, "A Study of the Moral Miracle of the Quran", Journal of Quran and Science, Vol. ۹, ۲۰۱۱.
۵. Fakhr Razi, Muhammad bin Umar, al-Tafsir al-Kabir [The Great Exegesis], Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۲۰ AH.
۶. Fath Ali Khani, Muhammad, Basic Teachings of Ethics, Al-Mustafa International Translation and Publishing Center, Qom: ۲۰۱۳.
۷. Haqpanah, Ridha – 'Ibadi, Mehdi, "The Approach of the Moral Miracle of the Quran", Journal of Quran and Science, Vol. ۹, ۲۰۱۱.
۸. Hashimi, Hossein, "The Structure of the Moral System in the Quran", Journal of Quranic Researches, Vol. ۱, ۲۰۱۲.
۹. Ibn Arabi, Muhammad bin Abdullah, Qanun al-Ta'wil [The Law of Hermeneutics], Dar al-Gharb al-Islami, Beirut: ۲nd Edition, ۱۹۹۰.
۱۰. Islamic Sciences and Culture Academy, Quran Encyclopedia, Bustan Ketab, Qom: ۲۰۱۸.
۱۱. Jacks, Philosophy of Ethics (Practical Philosophy), Translated by Pourhosseini, Pocket-size Books Publishing Corporation, Tehran: ۱۹۷۸.
۱۲. Khawas, Amir, "The Relationship between Ethics and Philosophy of Ethics", Ravaq Andisheh Magazine, Vol. ۱۲, ۲۰۰۹.
۱۳. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar [Ocean of Lights], Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۰۳ AH.

۱۴. Makarem, Naser, Ethics in the Quran, Imam Ali Ibn Abi Talib (A.S) Seminary School, Qom: ۲۰۰۵.
۱۵. _____, Tafsir Nomoneh [The Ideal Commentary], Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۹۹۲.
۱۶. Motahhari, Morteza, Introduction to Islamic Sciences, Sadra, Tehran: ۱۹۸۹.
۱۷. Mustafavi, Hassan, Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim [A Research in the Words of the Holy Quran], Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱۴۳۰ AH.
۱۸. Muttaqi, Ali bin Husam al-Din, Kanz al-Ummal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afa'al [Treasures of the Doers of Good Speaks and Deeds], N.p.: n.d.
۱۹. Nouri, Hossein bin Muhammad, Mustadrak [Sources of the Book of] al-Wasa'il, al-Bayt (A.S) Institute, Qom: ۱۹۸۷.
۲۰. Qurbani, Zayn al-Abidin, History of Islamic Culture and Civilization, Sayeh Publisher, Tehran: ۲۰۰۳.
۲۱. Raghbi Isfahani, Hossein bin Muhammad, Mufradat Alfaz al-Quran [Dictionary of Quranic Words], Dar al-Qalam, Beirut: ۱۴۱۲ AH.
۲۲. Razi (Ibn Miskawayh), Ahmad bin Muhammad, Alchemy of Happiness, Mirath Maktub Publishing Institute, Tehran: ۱۹۹۶.
۲۳. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, Mehr Quran Interpretation [Blessings of Quran], Quran Interpretation and Sciences Researches, Qom: ۲۰۰۸.
۲۴. _____, The Logic of Quran Interpretation, Al-Mustafa International Center for Translation and Publication, Qom: ۲۰۱۴.
۲۵. _____; -Najafinejad, Ali, "The Moral Miracle of the Holy Quran History and Characteristics", Vol. ۱۹, Journal of Quran and Science, ۲۰۱۶.
۲۶. Sadiqi Tehrani, Muhammad, Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an [The Criterion in the Exegesis of Quran], Islamic Culture Publisher, Qom: ۱۹۸۵.
۲۷. Sadr, Seyyed Hassan, The Book of the Establishment of the Shia, N.p.: n.d.
۲۸. Sanaei, Naqi, Book of Ethics of Leisure, Ma'aref Publishing, Qom: ۲۰۱۹.
۲۹. Suyuti, Abdul Rahman bin Abi Bakr, Al-Itqan fi Uloom al-Quran [The Perfect Guide to the Sciences of the Quran], Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: ۱۴۲۱ AH.

۳۰. Tusi, Nasir al-Din, Nasiri Ethics, Islamic Books Publishing Center, Tehran: n.d .
۳۱. Yahyaei, Ali Akbar, Philosophy of Ethics, Islamic Researches Center of Radio and Television, Qom: ۲۰۰۴.